

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: مایل بودم بخشی از آنچه که درباره آزادی و زن در قرآن دیده‌ام با شما در میان بگذارم و از رهنمودهای شما بهره ببرم. هیچ موقعیت و محیط و شرایطی هیچ جبر تاریخی، آزادی را از انسان و از زن نمی‌گیرد، همسر لوط و همسر نوح، تحت ولایت و تربیت دو عبد صالح خدا و پیامبر الهی بودند اما مَثَل اهل کفر شدند. می‌شود رفتار انسانی ببینی، لقمه‌ی پاک بخوری، در هوای معنویت نبی خدا نفس بکشی و کافر باشی. می‌شود در کاخ فرعون با همه وسوسه‌ها و جاذبه‌های سلطنت باشی و آرزویت خانه‌ای در همسایگی خدا باشد. می‌شود در محیط کاملاً مردانه معبد باشی؛ در معرض وسوسه‌ها و شیطنتهای مردان باشی و حصار محکمی بر پرورشگاه انسان در وجودت بسازی، تا خانه‌ی امن روح الله شود. تا یکبار برای کل تاریخ بشریت، مادری باشی که «روحنا» را به سویت بفرستند تا حامل آیت الهی شوی. می‌شود آنقدر در مقام غیب باشی که هیچ نامی از تو در کتاب نباشد، اما کتاب، همه واگوبه‌ای از اسرار تو باشد، می‌شود حجتِ حجج الهی شوی. اگر در مقام مَثَل اهل ایمان و اهل کفر، مردانی پیش چشم می‌آمدند و خدا بر آنها مثال می‌زد که بر خلاف رسم زمانه، طالب کلمه‌ی توحید شدند، باز در دل‌هایی این گمان باقی بود که اگر زن بودند نمی‌توانستند چنین «نه» بزرگی بگویند، اما هر چهار نفر و در هر دو جبهه را از زنان مثال زد، شاید از آنرو که به انسانیت و به ویژه زنان نشان دهد، هیچ چیز، در هیچ مسیری، آزادی تو را سلب نمی‌کند مگر اینکه تو خود، بر خود تار بتنی و در چاه نفسانیت خود سقوط کنی، ما در فضای کفر مدرن و توحید زمانه خود نفس می‌کشیم اما می‌توانیم در صحنه‌ها باشیم، جهاد علمی و مادری و حُسْنُ التَّبَعْلِ را به زیبایی کنار هم و تنیده در هم پیش ببریم و در حصار امن عفاف، مراقب مقام غیب بودن خود باشیم. استاد: سالهاست کلمه به کلمه سخن شما را و آنچه آبشخور معرفت مناسب زمانه دانسته‌اید از متعالیه و عرفان و ... در حد ظرفیت خود، نوشیده‌ام و می‌دانم تک تک ما (زن و مرد) در فضای انقلاب چه نفس‌های عمیقی کشیده‌ایم. در چند نکته دردهایی به جان دارم که برایتان بازگو می‌کنم شاید چون شما به عنوان یک زن در جامعه نزیسته‌اید بازگویی این تجربه‌ها برایتان منطقی باز کند. ۱. دو گانه عقل و قلب (عقل و عشق) آنچنان افراطی مطرح می‌شود و پیشاپیش سهم زن تنها عاطفه می‌شود و سهم مرد عقلانیت که گویی جای نفس کشیدن در فضای حکمت و عقلانیت برای زنان بسته است. گویی زن سرمایه و مجال پرداختن به علوم عقلی ندارد و چنین پرداختنی خلاف روح زنانگی است. وقتی از پرداختن دختر امام به مسائل زنان با رویکرد حکمت متعالیه سخن گفتید یک نفس راحت کشیدم که حداقل بخاطر سالها پرداختن به حکمت متعالیه سرزنشم نخواهد کرد. فقط بدانید ما در غربت سختی به سر می‌بریم.

۲. نهادهای مذهبی و حتی انقلابی به وفور جایگاه زن را موجودی درجه ۲ و در پس مردها و در پس توی خانه‌ها می‌دانند، اگر جایی مجالی به زنان می‌دهند از درد ناچاری و گاه برای رعایت مسائل شرعی است، مثل جنابعالی حقیقتاً جایگاه جدی برای زن قایل نیستند، ما تفاوت تکریم و تظاهر به تکریم زن را در جان خود حس می‌کنیم. این رویکرد شایع در مورد زن، بستر تقابل زن با دین و نظام را فراهم کرده، من مثل برخی نمی‌خواهم همه بحران پیش آمده در مساله زن و حجاب را گردن دشمن بیندازم، ما چشیده ایم طعم تلخ تحقیر را در نهادها و نظامات دینی و ... انکار این ضعف در جبهه به ظاهر خودی، مواجهه ما با حقیقت آنچه در حال رخ دادن است به تعویق می‌اندازد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این است همان طلوع صبح‌دمان، و از آن سخن می‌گویید که دیگر در تاریخی که انسان تنها می‌تواند در نزد خود و در آزادی‌اش به سر برد؛ فقط انسان داریم، چه زن و چه مرد. درمانده آن‌هایی که هنوز متوجه این امر نیستند تا همچون حضرت روح الله «رضوان‌الله تعالی علیه» به طور عجیبی در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود فرمودند: «ما مفتخریم که بانوان ما و زنان پیر و جوان و خرد و کلان، در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند.»

آیا به اعجاب نمی‌آیید که چگونه حضرت روح الله فهمید تاریخی به ظهور آمده که زنان در پیش خود در امکانی که امکان هر انسانی می‌تواند باشد، آمادگی حضور دارند و این حضور، دیگر حضور انسان است و انسان در همه ابعادش آمادگی حضور در این تاریخ را دارد چه در بُعد عقلی و چه در بُعد عاطفی. موفق باشید